ترکیه، روسیه، سازمان ملل و محافل دیپلماتیک کشورهای عربی از برگزاری مذاکرات ژنو استقبال کردند

منطقه حامی گفت‌وگوی هسته‌ای

گزارش

استقبال کشورهای منطقه و ناظران بین‌المللی نسبت به ازسرگیری مذاکرات ژنو میان ایران و آمریکا نشانه‌ای از شکل‌گیری درکی تازه نسبت به ضرورت مهار تنش در یکی از پرمخاطره‌ترین گره‌های امنیتی منطقه است؛ درکی که در امتداد مخالفت صریح با هرگونه گزینه نظامی علیه تهران تلاش دارد مسیر سیاست را از لبه تقابل به ریل گفت‌وگو بازگرداند. در همین چهارچوب، حمایت همزمان بازیگرانی چون ترکیه، روسیه و سازمان ملل متحد از جدی‌تر شدن روند مذاکرات و نیز تأکید رسانه‌های عربی بر هموارتر شدن مسیر توافق احتمالی، بازتابی از نگرانی مشترک نسبت به هزینه‌های بی‌ثباتی و امید محتاطانه به احیای دیپلماسی است.

این فضای حمایتی در حالی شکل گرفته که دور دوم مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا روز سه‌شنبه گذشته با میانجی‌گری «بدر بن حمد البوسعیدی»، وزیر امور خارجه عمان در ژنو برگزار شد؛ نشستی که به گفته سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با طرح مباحث کاملاً جدی‌تر نسبت به دور پیشین و شکل‌گیری فضایی سازنده‌تر همراه بوده و توانسته است طرفین را بر سر مجموعه‌ای از اصول راهنما به موافقتی کلی برساند.

این موافقت، اگرچه هنوز فاصله‌ای معنادار با توافق نهایی دارد اما از آن رو اهمیت می‌یابد که برای اولین بار پس از دوره‌ای از بی‌اعتمادی فزاینده، چهارچوبی مفهومی برای ورود به مرحله تدوین متن احتمالی فراهم کرده و به تعبیر عراقچی، مسیر را هرچند دشوار و پرجزئیات اما آغازشده و قابل پیگیری ترسیم می‌کند که تداوم آن می‌تواند موازنه میان دیپلماسی و تهدید را به سود گفت‌وگو تغییر دهد.

مخالفت ترکیه با جنگ و پیشنهاد کمک دیپلماتیک مسکو

در پی برگزاری دور تازه گفت‌وگوهای هسته‌ای میان تهران و واشنگتن در ژنو، اظهارات «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه را می‌توان تلاشی هدفمند برای تثبیت کفه دیپلماسی در برابر سناریوهای پرهزینه نظامی ارزیابی کرد؛ تلاشی که از آنکارا آغاز شد اما مخاطب اصلی آن، کاخ سفید و محافلی به شمار می‌رفت که همچنان از گزینه‌های روی میز سخن می‌گویند.

رئیس جمهوری ترکیه پس از مذاکرات ژنو اعلام کرد که به طرف آمریکایی اعلام کرده است آنکارا با هرگونه تجاوز نظامی به ایران مخالف است. این موضع بیانگر نگرانی همسایه شمال‌غربی ایران از پیامدهای امنیتی یک درگیری تازه در منطقه است. «اردوغان» با تصریح اینکه «حمله به ایران به نفع هیچ طرفی نخواهد بود»، افزود که ترکیه خواهان حل بحران میان آمریکا و ایران از مسیر گفت‌وگو است و با هر دو طرف در تماس قرار دارد.

همزمان با مواضع ترکیه، مسکو نیز بر ناکارآمدی تهدید در روند مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد؛ چنان‌که «ماریا زاخاروا»، سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد تهدید و باج خواهی کمکی به موفقیت مذاکرات نمی‌کند و مسکو آماده تسهیل گفت‌وگوها درباره پرونده هسته‌ای ایران است. این موضع‌گیری زمانی معنادارتر می‌شود که آن را در کنار اظهارات «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی کرملین قرار دهیم که با پرهیز از هرگونه پیش‌بینی شتاب‌زده درباره نتایج مذاکرات، هدف اصلی گفت‌وگوها را حل وفصل مسأله هسته‌ای ایران دانست و حتی از آمادگی روسیه برای پذیرش اورانیوم غنی‌شده مازاد ایران در صورت حصول توافق سخن گفت؛ پیشنهادی که نشان می‌دهد مسکو در پی ایفای نقشی عملی در تضمین اجرای هر توافق احتمالی است.

استقبال سازمان ملل از مذاکره

در سطحی فراتر از مواضع دولت‌ها، سازمان ملل متحد نیز با استقبال رسمی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا، بر ضرورت حفظ شتاب مذاکرات تأکید کرد. «استفان دوجاریک»، سخنگوی این نهاد اعلام کرد دبیرکل سازمان ملل معتقد است همه نگرانی‌ها می‌تواند و باید از طریق دیپلماسی برطرف شود و طرف‌ها باید روند گفت‌وگو را تداوم بخشند تا از بروز بحرانی گسترده‌تر جلوگیری شود. قدردانی سازمان ملل از نقش میانجی‌گرانه عمان و سوئیس نیز نشان داد که جامعه بین‌المللی، دست‌کم در سطح رسمی، مسیر فعلی را بدیلی عقلانی برای سناریوهای پرهزینه تقابل می‌داند.

بازتاب این فضای محتاطانه اما امیدوارانه را می‌توان در رسانه‌های عربی نیز مشاهده کرد؛ رسانه‌هایی که در پوشش دور دوم مذاکرات غیرمستقیم در ژنو بر پیشرفت، توافق اولیه و اصول کلیدی حاصل‌شده تأکید کرده و از روشن‌تر شدن مسیر برای توافق احتمالی سخن گفته‌اند.

در این میان، روزنامه «الشرق الاوسط» با اختصاص تیتر اصلی خود به مذاکرات ژنو، در عمل نشان داد که حتی در میان بازیگران عربی که در سال‌های گذشته با بدبینی به گفت‌وگوهای تهران-واشنگتن می‌نگریستند، اکنون نوعی واقع‌گرایی جدید در حال شکل‌گیری است که بر این فرض استوار است که ثبات منطقه از مسیر گفت‌وگو و سازوکارهای دیپلماتیک قابل تحقق است.

> حمایت همزمان بازیگرانی چون ترکیه، روسیه و سازمان ملل متحد از جدی‌تر شدن روند مذاکرات و نیز تأکید رسانه‌های عربی بر هموارتر شدن مسیر توافق احتمالی، بازتابی از نگرانی مشترک نسبت به هزینه‌های بی‌ثباتی و امید محتاطانه به احیای دیپلماسی است

> «ماریا زاخاروا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد تهدید و باج خواهی کمکی به موفقیت مذاکرات نمی‌کند و مسکو آماده تسهیل گفت‌وگوها درباره پرونده هسته‌ای ایران است

در گفت‌وگوی تلفنی عراقچی و گروسی انجام شد

تأکید بر تدوین چهارچوب اولیه گفت‌وگوهای آتی

برش

در امتداد روندی که پس از برگزاری دور دوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا در ژنو وارد مرحله‌ای حساس و جزئی‌نگر شده است، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته تلفنی گفت‌وگو کردند.

این گفت‌وگو که با محوریت مرور نتایج آخرین دور مذاکرات در ژنو انجام شد، بر سازوکارها و الزامات تدوین پیش‌نویس یک چهارچوب مذاکراتی متمرکز بود؛ چهارچوبی که قرار است نقشه راه ورود به مرحله تنظیم متن توافق احتمالی را ترسیم کند.

عراقچی در این تماس، با قدردانی از حضور گروسی در ژنو تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی تمرکز خود را بر تدوین یک چهارچوب اولیه، منسجم و قابل اتکا برای پیشبرد گفت‌وگوهای آتی قرار داده است؛ تأکیدی که نشان می‌دهد تهران در پی آن است تا پیش از ورود به جزئیات تعهدات متقابل، بر سر مبانی، اصول و ترتیب اقدامات به تفاهمی ساختاری دست یابد.

همین رویکرد ساختارمند است که به گفته منابع نزدیک به مذاکرات، دیدار حضوری دو طرف پیش از آغاز دور دوم گفت‌وگوها را نیز به نشستی عمیق و فنی بدل کرده بود که در آن، درباره ابعاد نظارتی، دامنه همکاری‌ها و نحوه رفع ابهامات تبادل نظر شد.

در سوی دیگر، گروسی با ارزیابی مثبت از نتایج نشست اخیر، آمادگی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برای حمایت از روند شکل‌گیری چهارچوب مذاکراتی اعلام کرد.

این حمایت در عمل می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتمادسازی و کاهش فاصله برداشت‌ها ایفا کند.

تبعات بی ثباتی در ایران دامن منطقه را می گیرد

یادداشت

آنونترا رانگان
پژوهشگر ارشد مطالعات چین در مؤسسه چنوای-دهلی نو

آنونترا رانگان، پژوهشگر ارشد مطالعات چین در مؤسسه چنوای-دهلی نو در پاسخ به پرسش‌های ایران دیلی درباره تأثیر ناآرامی‌های اخیر ایران و احتمال مداخله آمریکا بر کشورهای همسایه تأکید می‌کند که هرگونه بی‌ثباتی در ایران، پیامدهایی فراتر از مرزهای این کشور دارد و در سراسر آسیا بازتاب می‌یابد. به گفته او، اعتراضاتی که در اواخر دسامبر ۲۰۲۵ با مطالبات اقتصادی و صنفی آغاز شد، در پی قطع سراسری اینترنت و گسترش اخبار تأیید نشده، در برخی رسانه‌های بین‌المللی به سرعت به نشانه‌ای از وخیم شدن اوضاع تعبیر شد؛ حال آنکه با بازگشت ارتباطات، شکاف میان روایت‌های بیرونی و واقعیت‌های میدانی آشکارتر شد و نشان داد خلأ اطلاعاتی چگونه می‌تواند ادراک جهانی را دچار انحراف کند.

رانگان در ادامه با اشاره به تشدید مواضع ایالات متحده توضیح می‌دهد که این تحولات از یک مسأله داخلی به موضوعی ژئوپلتیکی تبدیل شده و کشورهایی چون هند، چین و پاکستان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به باور او، کارشناسان هندی برخلاف برخی تحلیل‌های غربی که رویکردی یک‌جانبه دارند، تحولات ایران را در چهارچوب منافع متقابل، ثبات منطقه‌ای و پروژه‌های راهبردی مشترک - از جمله بندر چابهار و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب- به‌صورت متوازن و نسبتاً بی‌طرفانه ارزیابی می‌کنند.

گزارش‌های جعلی درباره ایران

در شامگاه ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵، ناگهان روزنامه‌ها، سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی از کلیپ‌هایی از ایران، اخبار فوری درباره ایران و داستان‌هایی به ظاهر غیرقابل تصور پر شد. من نیز یکی از کسانی بودم که فکر می‌کردم اتفاقی عظیم در ایران در حال رخ دادن است و مردم برای چیزی فراتر از رهایی از اقتصاد نزولی به خیابان‌ها آمده‌اند.

با این حال، بزودی با گسترش اطلاعات نادرست در فضای مجازی، اشتباهم ثابت شد. گزارش‌های جعلی، ویدیوهای بازنشر شده و پوسترهای ساختگی درگذشت، به سرعت در پلتفرم‌ها پخش شد و تصویری از ایران نشان داد که در لحظه در حال وخیم بودن اوضاع به نظر می‌رسید.

واقعیت، دست کم در ابتدا، معتدل‌تر بود. شهروندان اعتراضات صلح‌آمیزی برگزار کردند که از جامعه بازاری، مغازه‌داران و تجار در بازار بزرگ تهران آغاز شد. اما آنچه در آن روزهای اولیه بیشتر به چشم می‌آمد، این بود که چگونه هفت روز اعتراض مسالمت‌آمیز به سرعت به چیزی با بار سیاسی بسیار بیشتر تبدیل شد. شعارها تندتر و مستقیم‌تر ضد دولت شد و اعتراضات مسیر کاملاً متفاوتی در پیش گرفت. سیل گزارش‌های تأیید نشده تصادفی نبود. با محدودیت ارتباطات و وضوح رسمی اندک، بیرونی‌ها نمی‌توانستند پیش‌بینی کنند واقعاً در ایران چه می‌گذرد. با این حال، ویدیوها و به‌روزرسانی‌ها اغلب همراه با ادعاهایی از تعداد غیرقابل تصور جانباختگان معترض ادامه یافت. تأیید هر چیزی دشوار بود، اما همچنین طبیعت انسان است که وقتی اطلاعات مستقیمی از طرفین درگیر وجود ندارد، به بلندترین اطلاعات موجود باور پیدا کند. این‌گونه بود که جهان وضعیت ایران را در آن روزهای حیاتی اولیه درک کرد. گزارش‌های ساختگی از منابع تأیید نشده صرفاً از طریق تکرار «مشروع» شدند.

تنها پس از بازیابی خدمات اینترنت توسط ایران بود که می‌توانستیم وضعیت را با دقت بیشتری درک کنیم. گفت‌وگو با آشنایان حاضر در ایران نشان داد که اوضاع آرام‌تر از روایت خارجی به تصویر کشیده شده بود، بویژه در پوشش رسانه‌های غربی. فاصله بین ادراک و واقعیت آشکار بود و برجسته کرد که چگونه خلأ اطلاعاتی در محیط‌های بسته یا نیمه‌بسته می‌تواند با داستان‌هایی پر شود که بیش از آنکه در خدمت حقیقت باشند، در خدمت دستورکارهای سیاسی هستند.

سوءاستفاده آمریکا از اعتراضات

در پی این سردرگمی، بحران به مدت طولانی به عنوان یک مسأله داخلی ایران باقی نماند. ایالات متحده آمریکا، همان‌گونه که اغلب در لحظات بی‌ثباتی در غرب آسیا انجام می‌دهد، با قالب‌بندی آن به عنوان مسأله‌ای نیازمند مداخله فوری و نگرانی حقوق بشری، شروع به استفاده از موقعیت کرد. طعنه چنین موضعی را نمی‌توان نادیده گرفت. سابقه واشنگتن در افغانستان، لیبی و عراق نشان داده که مداخلات آن اغلب با هزینه انسانی عظیمی همراه است، که اغلب با میلیون‌ها زندگی مختل شده یا از دست رفته اندازه‌گیری می‌شود. با این حال در لحظاتی مانند این، زبان حقوق و آزادی به ابزاری آشنا تبدیل می‌شود، که نه تنها برای ابراز نگرانی، بلکه برای توجیه فشار، تحریم‌ها و دیپلماسی قهرآمیز به کار می‌رود. از زمان مداخله و تشدید سخنان ایالات متحده، وضعیت ماهیتاً تغییر کرده است. آنچه می‌بایست عمدتاً یک مشکل داخلی برای ایران باقی بماند، به طور فزاینده‌ای به عنوان یک رویارویی خارجی صورت‌بندی شده و با این کار به یک تهدید استراتژیک گسترده‌تر برای کشورهایی تبدیل شده که روابط صمیمانه با تهران دارند، از جمله هند، چین، پاکستان، روسیه و دیگران. خطر نه تنها بی‌ثباتی در خود ایران، بلکه نحوه بین‌المللی شدن و تسلیحاتی شدن این بی‌ثباتی از طریق رقابت ژئوپلتیک است.

اهمیت استراتژیک ایران برای هند

در مورد هند، دهلی نو به طور تاریخی روابط خوبی با تهران حفظ کرده است. ایران به عنوان شریکی دیده شده که مایل به عرضه نفت با نرخ‌های تخفیف‌دار بوده و فراتر از انرژی، ایران مدت‌هاست که اهمیت استراتژیک برای آرمان‌های اتصال هند داشته است. در حالی که بحران روزهای اخیر عمدتاً به عنوان رویارویی بین ایران و ایالات متحده قالب‌بندی شده، پیامدهای آن فراتر از این دو بازیگر گسترش می‌یابد. هند، علیرغم فاصله جغرافیایی ظاهری به دلیل تعامل استراتژیک و اقتصادی دیرینه با تهران از جمله متأثرترین‌هاست.

هند سرمایه‌گذاری سنگینی در توسعه بندر چابهار انجام داده و در ۱۳ مه ۲۰۲۴ یک توافق بلندمدت بین شرکت هندی پورتس گلوبال لیمیتد و سازمان بنادر و دریانوردی ایران برای بهره‌برداری از ترمینال شهید بهشتی امضا شد. این مشارکت به طور گسترده‌ای برای هر دو کشور از نظر استراتژیک مهم تلقی شد و برای هند چیزی فراتر از یک پروژه بندری را نمایندگی کرد. چابهار با کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب با یک ابتکار اتصال چندوجهی که هدف آن پیوند هند با ایران، روسیه و اروپاست، مرتبط است. این کریدور از قبل هزینه‌ها و مسافت‌های حمل‌ونقل را کاهش داده و دسترسی کارآمدتری به هند برای آسیای مرکزی و اوراسیا ارائه می‌دهد. بنابراین ثبات ایران مستقیماً با منافع استراتژیک و تجاری هند گره خورده است.

حفظ رابطه تجاری حتی در تحریم‌ها

ارقام تجاری تأکید می‌کنند که این رابطه حتی در میان تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی تاب‌آور باقی مانده است. در سال مالی ۲۰۲۴-۲۰۲۵، صادرات هند به ایران تقریباً ۱.۲۴ میلیارد دلار بود، در حالی که واردات حدود ۰.۴۴ میلیارد دلار ارزشگذاری شد. با این حال، تحولات کنونی این ترتیبات را دچار دست‌انداز کرده است. عملیات در چابهار کند شده، جابه‌جایی کالا در طول کریدور تحت تأثیر قرار گرفته و کانال‌های بانکی تسهیل‌کننده تجارت تحت فشار مجدد قرار گرفته‌اند.

مکانیسم‌های جایگزین مانند ترتیب روپیه-ریال با عدم اطمینان فزاینده‌ای مواجه شده و نهادهای بخش خصوصی هند به طور فزاینده‌ای ریزمدار شده‌اند.

برای دهلی نو، این یک عقبگرد جدی در زمانی است که به دنبال گسترش پایگاه اقتصادی و استراتژیک خود در سراسر اوراسیا و آسیای مرکزی است. یکی از پیامدهای مهم اما کم‌تأکید بحران، نقش گسترده‌تر چین در ایران است. پکن و تهران با یک مشارکت استراتژیک ۲۵ ساله که همکاری انرژی، زیرساخت و امنیت را پوشش می‌دهد، مرتبط هستند. برخلاف هند و بازیگران غربی، چین تمایل به پذیرش ریسک‌های مرتبط با تحریم‌ها در پی دستیابی به منافع استراتژیک بلندمدت را نشان داده است. با محدودیت‌های موجود، ایران به احتمال زیاد برای حمایت اقتصادی و دیپلماتیکی بیشتر به چین نزدیک خواهد شد. در صورت بی‌ثباتی طولانی، این رابطه بیشتر می‌شود و ممکن است نقش هند را به حاشیه رانده و توازن قوا در منطقه را تغییر دهد.

پاکستان؛ یکی از متأثرترین طرف‌ها

همچنین درک این موضوع حیاتی است که چگونه پاکستان یکی از متأثرترین طرف‌ها در این بحران است. با مرز مورد مناقشه پاکستان با افغانستان که از قبل پرتنش و مستدرک درگیری‌های مکرر است، مقامات هشدار داده‌اند که پاکستان نمی‌تواند تحمل کند مرزش با ایران نیز بی‌ثبات شود. اگرچه همه اینها صرفاً به دلیل اعتراضات کنونی نیست، تجارت مرزی پاکستان با ایران در تنش‌های منطقه‌ای قبلی مختل شده و به اقتصادهای مرزی آسیب زده است.

جوامع محلی به تجارت فرامرزی متکی هستند و تعطیلی‌ها یا کنترل‌های سخت‌تر معیشت را مختل می‌کند. بی‌ثباتی گسترده‌تر در غرب آسیا که محدود به ایران نیست، تمایل به افزایش قیمت نفت جهانی دارد که بر تراز پرداخت‌ها و تورم پاکستان فشار وارد می‌کند، به ویژه با توجه به وابستگی آن به انرژی وارداتی. همزمان، تحولات پیرامون ایران سؤالاتی درباره رابطه آمریکا-پاکستان مطرح کرده است که در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ به طور قابل توجهی اهمیت دارند. با ادامه تهدید ایران توسط ترامپ، یک نگرانی مهم این است که آیا ایالات متحده در صورت حمله می‌تواند به حریم هوایی یا پایگاه‌های نظامی پاکستان دسترسی پیدا کند. چنین درخواستی پاکستان را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد. رد درخواست خطر رنجاندن ترامپ و به خطر انداختن بهبود اخیر در روابط دوجانبه را دارد. پذیرش آن، اما خطر بیگانه کردن جمعیت شیعه پاکستان و جهان اسلام به طور گسترده‌تر را در پی دارد. پاکستان حدود ۲۰ درصد مسلمان شیعه دارد که با تهران همدلی می‌کنند و ایران کشوری با اکثریت شیعه است. نگرانی جدی وجود دارد که تجاوز آمریکا به ایران، همراه با فشار بر پاکستان برای تسهیل چنین حمله‌ای، می‌تواند ناآرامی در درون خود پاکستان را شعله‌ور کند.

مقامات می‌ترسند هر تجاوزی به ایران بتواند اعتراضات گسترده در سراسر پاکستان را برانگیزد و به دلیل جریان بالقوه پناهندگان، فشار مضاعفی در مرز ایران-پاکستان ایجاد کند. در نهایت، ناآرامی ایران باید در چهارچوب گسترده‌تر غرب آسیا درک شود. افزایش تنش ایران-آمریکا نگرانی‌های امنیتی اسرائیل را تشدید می‌کند، به ویژه در مورد نمایندگان منطقه‌ای و توانمندی‌های نظامی ایران. کشورهای خلیج فارس با احتیاط نظاره می‌کنند، از درگیر شدن در یک رویارویی گسترده‌تر هراس دارند و همزمان از اختلال در بازارهای انرژی و امنیت دریایی می‌ترسند. نظم منطقه‌ای شکننده باقی می‌ماند، شکل‌گرفته توسط مناقشات حل‌نشده و ائتلاف‌های در حال تغییر. یک درگیری نظامی با ایران در مرزهایش محدود نخواهد ماند. خطوط کشتیرانی را مختل، بازارهای نفت را بی‌ثبات و بازیگران منطقه‌ای را مجبور به بازتنظیم ائتلاف‌ها خواهد کرد و چشم‌انداز استراتژیک غرب آسیا را اساساً دگرگون خواهد ساخت.

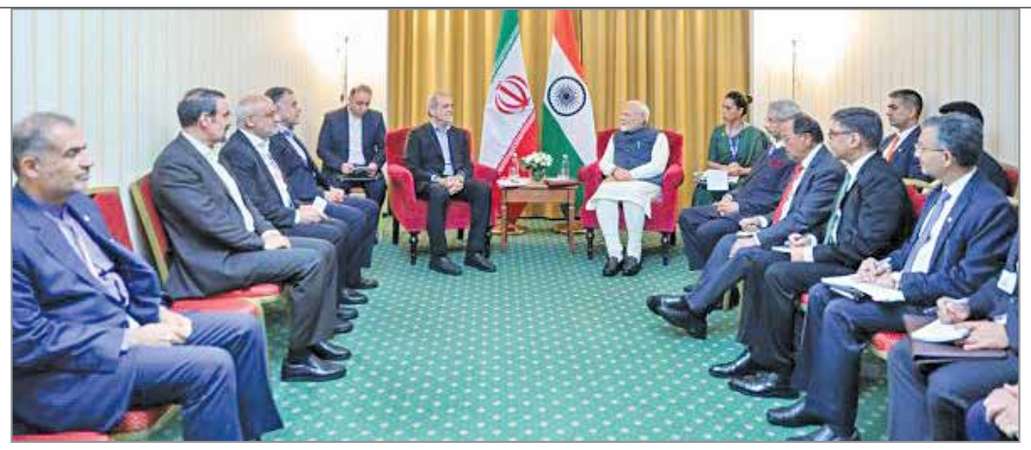

> سابقه واشنگتن در افغانستان، لیبی و عراق نشان داده که مداخلات آن اغلب با هزینه انسانی عظیمی همراه است، که اغلب به میلیون‌ها زندگی مختل شده یا از دست رفته اندازه‌گیری می‌شود

> کشورهای خلیج فارس با احتیاط نظاره می‌کنند، از درگیر شدن در یک رویارویی گسترده‌تر هراس دارند و همزمان از اختلال در بازارهای انرژی و امنیت دریایی می‌ترسند

ایران
با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران
دیده خواهید شد
الوفاق
IRAN DAILY
ایران online
ایران ورزشی
خط ویژه
پذیرش آگهی
۱۸۷۷